



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۱۳

عبدالقیوم میرزاده

## کتاب تعصب، ماهیت و پیامد های آن

قسمت سوم

پیوسته بگذشته

### فصل اول

#### تعریف تعصب:

تعصب از نظر لغوی معنی با شدت تمام جانبداری، حمایت و رد بی قید و شرط را میسراند. روانشناسان تعصب را معادل پیشداوری و نگرش منفی در قبال شخص، گروه و یا مجموعه از نظریات میدانند که بر پایه عدم معلومات کامل و یا اطلاعات ناقص مطرح گردیده باشد، و در نتیجه چنین تعریفی رامیتوان برایش ارائه کرد:

تعصب عبارت از نظر یا عقیده مطلوب یا نامطلوب و محبت یا نفرت نسبت به یک چیز یا یک شخص است که معمولاً رنگ عاطفی داشته و بر هیچگونه تحقیقی مبتنی نمیباشد و فرد را از تفکر منطقی درباره آن چیز یا شخص باز می دارد.

تعصب به قضاوت به عقیده یا نگرش از پیش تعیین شده فرد یا افرادی که بنابر عضویت شان در یک گروه خاص باشد، صورت میپذیرد. از نظر روانشناسان اجتماعی تعصب عبارت از نگرش تبعیض آمیز، خشک اندیشی و تمایل مفرط به دسته بندی و گروه بندی مردم به لایه های مطلوب و منفر میباشند.

بزبان ساده تر میتوان گفت که علاقه شدید و یا حساسیت مفرط نسبت به نظریه های سیاسی یاجهانبینی ها، پدیده ها، افراد، ساحات جغرافیایی و اشیا را تعصب میگویند. از دیدگاه جامعه شناسانه علاقه مفرط یا علاقمندی شدید را تعصب مینامند، در حالیکه روانشناسان در بسا موارد علاقه شدید را در میان انسانها امر طبیعی و عاطفی تلقی میکنند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

لغت تعصب از لفظ عربی عصب گرفته شده بیشتر عصبیت را بازگویی میکند که شخص نسبت به شئی، فرد، نظر، باور و موضوعی عکس العمل احساسی و عاطفی بدون هرگونه دلایل علمی و منطقی دور از تعقل تبارز میدهد.

پس با این توضیح میتوان گفت که تعصب عبارت از یک نگرش یا سیستم باور ها و اعتقادات نادرست یک فرد در برابر فرد دیگر بنا بر وابستگی آنها به گروه های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی و یا مجموعه نظریات یا جهانبینی ها میباشد.

از نظر دانشمندان جامعه شناسی و روانشناسی گرچه نگرش های جانبدار، همه بینش ها، نظریات و فکر هاستند، اما اگر در تحت تأثیر این نگرش های جانبدار و علاقه شدید و یا نفرت و انزجار تحریکات و تحرکات عملی صورت گیرد، آنگاه است که تبعیض و تعصب انجام یافته است.

تعصب در لغت عرب با عصب، اعصاب و عصبیت اشتراکیت دارد و در آذربان عصب به رشته هایی در بدن را گویند که مفاصل، استخوان ها، عضلات کلیه اجزای بدن حیه را باهم پیوند داده و آنرا به یک سیستم بهم پیوسته تحت تعامل قرار داده است.

همانطوریکه در بالا تذکار دادیم تعصب یک شیوه رفتار است که از احساس سرچشمه گرفته و پدیده های ماحول خویش مانند افراد، احزاب، اقوام، مذاهب، کشور ها و یا رسوم و عنعنات را بدون کدام شک و شبهه رد و یا تأیید میکند. یعنی تعصب وابستگی افراطی به چیزی و تأیید آن و مردود شناختن غیر آن بدون مطالعه، کند و کاو و تحقیق یعنی تمایل کور کورانه به چیزی و نفرت از همه پییده های غیر آن.

میبینیم که تعصب هیچنوع بنیاد عقلی نداشته و بر پایه احساسی استوار و شکل پذیری میکند و هیچ معنی و مفهوم مشخص علمی نداشته و احساسات بدون دلیلی را بازگویی دارد و اشخاص مصاب به مرض مهلک تعصب در باز پردازی های اجتماعی خود ستا، خودخواه، خود محور، خود بزرگ بین، افراطی و احساساتی عمل کرده و در مقیاس گروهی گروه های متعصب یک جانبه گرا، راسیست، فاشیست، ناسیونالیست افراطی، دفاع از سیستم های ضدبشری و جنگ طلبانه میپردازند.

دانشمندان در قبال اینکه تعصب خصلت انسانی بوده و از درون خود انسان مایه میگیرد و یا اینکه تأثیرات اجتماعی مولد تعصب در انسان ها و یا گروه های اجتماعی میباشد، به این نظر اند که تعصب ریشه در درون انسان داشته و عده از انسانها روحاً و رواناً از ابهام و پیچیدگی متنفر اند و شدیداً متمایل اند، با نخستین اطلاعات به قضاوت بنشینند و تصمیم بگیرند. یعنی اینکه نخستین آگهی ها و اطلاعات دریافت شده ذهنیت و تصور شان شکل میگیرد و تا سرحد مرگ به آن وابستگی پیدا میکنند.

رفتار متعصبین بیشتر بر احساسات منفی نسبت به همه نظریات، اعمال، افراد که آنها غیر خودی میدانند استوار میباشد. بر علاوه باور ها و اعتقادات کلیشه ای، شعاری و تبلیغاتی که بیشتر این نظریات از جانب صاحب غرضان برای مقاصد خاص سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی در جوامع پخش میگردد و تمایل مفرط به تبعیض علیه یک گروه خاص و ابراز نفرت در برابر اعضا و افراد آن و علاقمندی مفرط به گروه دیگر و پذیرش، باور و عقیده تقدسی به اعضا و افراد شامل گروه خودی از رفتار متعصبین میباشد. یعنی اینکه گروه بندی ها و اختلافات ناشی از آن از هر نوع می توانند هسته،

عامل و یا دلیل ایجاد تعصب محسوب شوند. که عوامل مانند رقابت، تهدید و ترس در بسا حالات باعث می شوند که تعصبات شدیدتر، مستحکم تر و ظالمانه تر شوند.

پیش زمینه های تعصب در میان افراد بیشتر بر میگردد به پذیرش و تقلید کورکورانه اطفال، جوانان و نو جوانان از تفکرات و باور های اجداد و نیاکان. این تقلید کور کورانه از تفکرات، باور ها، رسوم و عادات نیاکان باعث میگردد تا آنها از شناخت حقیقی ماحول خویش و انکشافات مادی و معنوی جامعه بشری محروم گردند. زیرا این افراد که گرفتار مرض مهلک تعصب شده اند همه امور را با معیار های گذشتگان و خویشان شان اندازه گیری میکنند. تمام اندیشه ها، تفکرات، عملکرد ها و رسومی که در میان شان از سابقه و پیشینه برخوردار نباشد مردود و باطل می شمارند. آنها به این نظر اند که گذشتگان شان به همه علوم، کمال و شناخت ها از حقایق نایل بوده اند، اگر آنچه امروز بنام انکشاف و طرح نو مطرح میگردد حقیقت میبود گذشتگان شان به ایشان میرساندند. وقتا چنین نیست پس همه یکسره باطل اند.

قابل تذکر میدانم که احساسات و عواطف انسانی بصورت عموم روند روانشناسانه، عکس العمل ما را نسبت به افراد دیگر و چگونگی رفتار با آنها تحریک می کنند. بسیاری از احساسات انسانها مانند احساس تنفر، احساس فقر، احساس ترس، احساس خود خواهی، احساس خود بزرگ بینی، احساس برتری جویی به هر عنوانی که باشد و احساس حقارت می توانند زمینه ساز ایجاد تعصب باشند. به این ترتیب میبینیم که احساسات انسانی نقش پشتیبان و حمایت کننده تعصب را دارا بوده و اگر این نقش از جانب مغرضین و دشمنان بشر و بشریت تحریک و مدیریت شوند فاجعه بیار می آورد. همچنانیکه تاریخ جامعه بشری شاهد و مآلما از صد ها هزار فجایع انسانی که بیشتر شان بر پایه تعصب راه اندازی شده بود، میباشد.

دانشمندان علوم اجتماعی بر این عقیده پابند اند که تعصب یک پدیده چند مرحله ای است. ذهن انسانها اشیا را در دنیای که ما زندگی میکنیم گروهبندی و یا دسته بندی می کند تا بتواند به هر کدام آن ها بدون تامل پاسخ دهد. وقتی که به انسان ها نگاه می کنیم همچنان همین روند اعمال می شود. به همین دلیل است که ما مردم را به راحتی دسته بندی می کنیم. یعنی اینکه دیدن همزمان با باور کردن نیز صورت میپذیرد.

به این دلیل است که تعصب بمانند پدیده چند مرحله ای در ذهن افراد جامعه بنابر طبقه بندی ها و گروهبندی های اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و نژادی کماکان وجود داشته و کلید کاهش و تشدید آن تا انکشاف تخصصات و جنگ های خانمانسوز بدست طراحان سیاست ها و ادارات کشور ها میباشد. دانشمندان علوم جامعه شناسی، انسان شناسی و روان شناسی طی تحقیقات علمی متفقاً به این نظر رسیده اند که تعصب یک غریزه انسانی نزع یافته در درون انسان بوده و در تعاملات اجتماعی توسط دیگران در جامعه سمت یابی میگردد و به این ترتیب مردم را بشکل افراطی به یک پدیده، یک فرد، یک عقیده، یک نژاد، یک زبان، یک جنس و یا یک محل باورمند سازند که آنها در تائید و یا رد آنها تا سرحد مرگ ایستادگی داشته باشند.

تعصب انسان ها را از اعتدال شخصیتی برون کشیده و تأثیری نهایت منفی بر بینش و کردار انسان میگذارد. متعصبین بیشتر در سر اشیب سقوط و هبوط شخصیتی قرار گرفته و جهان و ماحول خویش را دگرگون میبینند. تعصب همچو پرده سیاه ضخیم بر فکر، چشم، هوش و گوش متعصب هموار گشته و او را در حصار خویش محکم میگیرد.

ادامه دارد